

نقد و تحلیل ساختاری و محتوایی

کتاب علوم فنون

محمود طیب

کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی و
مدرس دانشگاه

سیمایگ نژاد

کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی و
دبیر متوسطه مدارس آبادان

چکیده

کتاب علوم و فنون ادبی (۲) ویژه دانش‌آموزان رشته‌های ادبیات و علوم انسانی و علوم و معارف اسلامی از اصلی‌ترین منابع درسی این رشته‌هاست. این کتاب در چاپ اول خود در مهرماه ۱۳۹۶ وارد حوزه تحصیلی شده و در شکل و ساختاری نو، محتوایی قدیم از سه کتاب تاریخ ادبیات، عروض و قافیه و آرایه‌های ادبی را در شکلی تازه ارائه داده است. در این مقاله، ساختار و محتوای کتاب یاد شده آسیب‌شناسی و نقد شده و نکات قوت و نقاط ضعف آن بیان گردیده است. پژوهشگر ابتدا کتاب را از نظر ساختاری و محتوایی معرفی می‌کند و پس از آن، نقد ساختار محتوایی کتاب و چینش دروس و آسیب‌شناسی محتوای آن را انجام می‌دهد. تلاش شده است که ضمن این بررسی، نقاط قوت و ضعف کتاب از نظر ساختار و محتوا در همه موارد بیان شود.

کلیدواژه‌ها: علوم و فنون ادبی پایه یازدهم، ساختار، محتوا، آسیب‌شناسی، پیشنهادها

۱. مقدمه

ادبیات همواره بستر پرورش افکار و احساسات مهم بشری بوده و رسالت بزرگی در جامعه بشری و بیان دردها و آرمان‌های

انسان داشته است.

شیوه تألیف و آموزش ادبیات با علوم دیگر باید متفاوت باشد. بهترین برنامه آموزشی برای ادبیات برنامه‌ای است که از انعطاف‌پذیری مناسبی برخوردار باشد و این امکان را برای مؤلف فراهم کند که با فراغ بال بیشتری، در هر کدام از پایه‌های تحصیلی از مواد و متونی بهره‌بردار کند که مناسب سطح سنی، میزان درک و شناخت و علایق فراگیرندگان باشد.

رشد علمی موجب افزایش صحت و اعتبار یافته‌های علمی و تولید نظریه‌های جدید می‌شود. تعامل اندیشه و نقد آثار از عوامل تحقق این امرند. همچنین نقد و بررسی آثار علمی باید با نوشته‌ها و گفته‌های انتقادی رواج بیشتری یابد و از ویژگی‌های اصلی جامعه علمی محسوب شود (ملکی، ۱۳۸۵: ۲۰-۹).

مقاله حاضر که به نقد یکی از کتاب‌های تازه تألیف ادبیات برای رشته ادبیات و علوم انسانی و رشته علوم و معارف اسلامی اختصاص دارد، برای نخستین بار منتشر شده و تلاشی است در راستای بازنگری در برنامه آموزش فارسی یازدهم متوسطه؛ به امید آنکه صاحب‌نظران با بررسی‌های عالمانه و نقدهای متفکرانه بتوانند به راهکارهای مناسبی در این زمینه برسند

و امکانی فراهم گردد که آموزش ادبیات فارسی و کتاب‌های درسی با بازسازی و ترمیم همیشگی و رفع مشکلات و کاستی‌ها، همواره و همچنان سالم و سرزنده به حیات خود ادامه دهند.

۲. معرفی کتاب علوم و فنون ادبی (۲)

کتاب با شعری از طالب آملی در ستایش خداوند آغاز می‌شود و سپس دوازده درس آن در چهار فصل و به همراه چهار کارگاه تحلیلی در پایان هر فصل ارائه می‌گردد. کتاب ۱۱۲ صفحه است که ۱۵ صفحه آن بدون مطلب درسی است؛ یعنی صفحات آغازین فصل‌ها و صفحات اطلاعات چاپی و پیشگفتاری آغاز و پایان کتاب است. طرح جلد کتاب شکل گرافیکی ساده‌ای از عنوان کتاب در میان طرح مینیاتوری ساده‌تری است. این طرح، متأسفانه نه در روی جلد و نه در پشت جلد به هیچ‌روی زیبا و شایسته نیست؛ به ویژه چون مخاطبان این کتاب، همگی دانش‌آموزان سطوح سنی ۱۵ تا ۲۰ سال بدون در نظر گرفتن داوطلبان کنکور و پشت کنکورد. کتاب شامل سه حوزه عروض، تاریخ ادبیات (و سبک‌شناسی) و آرایه‌های ادبی است. در سال‌های پیش در این حوزه‌های محتوایی،

شاهد سه کتاب مستقل با همین نام‌ها بودیم. به نظر می‌رسد با توجه به تخصصی بودن رشته‌های ادبیات و علوم انسانی و علوم و معارف اسلامی، می‌بایست به روال گذشته، همان سه کتاب به قوت خود اما در شکل و شمایل زیبای متنی با دیدگاهی نو و تقریباً کوتاه‌تر باقی می‌ماند. چرا که دانش‌آموزان این رشته، تقریباً در بیشتر محتوای کنکور خود با این سه منبع اصلی سروکار دارند؛ حتی در موضوع آموختن دستور و نگارش فارسی!

متأسفانه حجم کتاب در مقایسه با سه منبع پیشین بسیار کم است و کتاب حالتی جزوه‌گونه به خود گرفته است. در واقع، این کتاب ۲۸ ورق A۴ است که از وسط تاخورده و منگنه شده و حتی در شیرازه آن نیز چیزی نوشته نشده است!

اگرچه دانش‌آموز با کتاب‌های کم‌حجم رابطه‌ای بهتر و زودبازده‌تر برقرار می‌کند، آسیبی را که این موضوع ایجاد می‌کند نیز باید در نظر داشته باشیم. آسیبی که در این باره وجود دارد، حجم کم اطلاعات و متونی است که دانش‌آموز درباره مواد درسی و سرفصل‌ها در اختیار دارد.

صفحه‌آرایی کتاب، زیبا و متناسب با دوره تحصیلی و گروه سنی دانش‌آموزان است اما کاستی چشمگیری نیز در این رابطه وجود دارد و آن نبود تصاویر مرتبط با موضوع درس و اطلاعات تصویری است. این در حالی است که کتاب علوم و فنون (۱) در چند مورد دارای تصویر است. (علوم و فنون ۱، صص: ۳۷ و ۴۵). رنگ‌بندی و شکل متن کتاب و نمونه‌های شعر و نثر آن بهتر و زیباتر است (همان‌جا).

۳. نقد و تحلیل ساختار درسی کتاب

کتاب علوم و فنون ادبی (۲) از چهار درس تاریخ ادبیات و سبک‌شناسی، چهار درس پایه‌های آوایی یا عروض شعری و چهار درس آرایه‌های ادبی تشکیل شده است.

این کتاب، ادامه منطقی و تاریخی کتاب علوم و فنون ادبی پایه دهم در همین رشته است. موضوع تاریخ ادبیات و سبک‌شناسی در کتاب علوم و فنون (۱) تا سده ششم

بیان شده و ادامه آن از سبک عراقی، در کتاب علوم و فنون (۲) آمده است.

در موضوع عمومی قافیه یا عروض و پایه‌های آوایی نیز به همین شکل عمل شده و در کتاب علوم و فنون (۱) پایه دهم، مطالب مقدماتی وزن و عروض مطرح شده است. سپس در سال بعد و در این کتاب، مباحث تخصصی تر و بحث و تشریح علمی بعضی از وزن‌ها و بحرهای عروضی و توضیح و تقطیع آن‌ها آمده است.

در موضوع آرایه‌های ادبی نیز در کتاب علوم و فنون (۱) کلیاتی در علوم و فنون ادبی و چند مبحث از بدیع ادبی مانند سجع، قیاس و موازنه و در کتاب علوم و فنون (۲) مباحث مهم‌تر و تخصصی‌تر مانند تشبیه و ارکان آن، مجاز و استعاره و اضافه استعاری و پس از آن کنایه، مطرح شده است.

۳-۱- نقاط قوت ساختار درسی

- ترتیب متنوع دروس به یادگیری دانش‌آموزان کمک می‌کند. دانش‌آموز پس از دو یا چند جلسه تاریخ ادبیات و سبک‌شناسی، در چند جلسه دیگر موضوعاتی مانند آرایه‌های ادبی و پایه‌های آوایی را می‌آموزد.

- حجم پرسش‌های موجود در سنجش‌های خودارزیابی متوسط به بالاست و موجب یادگیری بهتر و تلاش بیشتر دانش‌آموز می‌شود.

- حجم هر درس کم است و معلم و دانش‌آموزان می‌توانند در هر زنگ کلاسی، مطالب مرتبط یا خارج از درس و فعالیت‌های پیشنهادی خود را مطرح کنند. از طرف دیگر، تخصصی بودن کتاب نیاز به حجم بیشتری از مطالب در این حوزه‌ها را می‌طلبد و حجم کم چنین دروسی بیشتر مناسب رشته‌های عمومی و غیر تخصصی است.

۳-۲- نقاط ضعف ساختار درسی

در زمینه حجم دروس و کیفیت ساختاری آن‌ها، موارد زیر شایسته توجه است:
- تعداد و حجم دروس تاریخ ادبیات کم است.

- آرایه‌های ادبی به شکل محدود و ناقص آمده‌اند.

- در دروس پایه‌های آوایی، کلی‌گویی و شتاب‌زدگی مشاهده می‌شود.

۴. نقد و تحلیل محتوایی کتاب

همان‌گونه که اشاره شد، کتاب علوم و فنون پایه یازدهم از نظر محتوایی به گونه‌ای تنظیم شده است که سه کتاب تاریخ ادبیات، آرایه‌های ادبی و عروض و قافیه را در بر بگیرد؛ سه کتابی که پیش از این سه منبع پر حجم و فشرده از مطالب تشریحی و تخصصی مفید بودند. هم‌اکنون این سه کتاب در قالب یک کتاب دوره‌ای در سه پایه ارائه شده و ادامه این کتاب در پایه دوازدهم در قالب کتاب علوم و فنون (۳) با مطالب تکمیلی‌تر منتشر گردیده است.

۴-۱- نقد و تحلیل دروس تاریخ ادبیات و سبک‌شناسی علوم و فنون ادبی (۲)

در کتاب مورد تحقیق، مقدمات سبک‌شناسی و تاریخ ادبیات تا سده ششم بیان شده است. در کتاب علوم و فنون (۲) این گفتارها ادامه پیدا کرده و تا پایان دوره سبک‌شناسی تشریح شده است.

این درس در فصل چهارم درس دهم کتاب ادامه یافته است. در این درس اختصاصاً سبک‌شناسی و زمینه‌های سیاسی و ادبی آن بررسی می‌شود. زمینه ادبی سبک‌شناسی، در دو بخش شعر و نثر در سه قلمرو ادبی، فکری و زبانی تشریح شده است.

۴-۱-۱- نقاط قوت دروس تاریخ ادبیات و سبک‌شناسی

- بخش‌های مقدمات دوره‌ها و زمینه‌های سیاسی به شکل کوتاه و بسنده آمده است و بیشتر از این، می‌توانست ملال‌آور باشد.
- بخش خودارزیابی این درس، بسنده و کامل است و دانش‌آموز به خوبی می‌تواند مطالب درسی را درک کند و پاسخ دهد.

میان مباحث آرایه‌های ادبی و پایه‌های آوایی پیوند خوبی برقرار شده است (صص: ۸۸-۸۹).

۴-۱-۲ نقاط ضعف دروس تاریخ ادبیات و سبک‌شناسی

- به‌طور کلی، بخش‌های تاریخ ادبیات و سبک‌شناسی کتاب علوم و فنون (۲) کوتاه و فشرده‌اند و گویی دانش‌آموز در حال خواندن متنی گذرا و یادداشتی کوتاه است. مطالب ادبی مربوط به شاعران و نویسندگان بسیار کم است. ذکر نمونه‌ها موجب یادگیری و یادسپاری بهتر می‌شود. بهتر بود تاریخ تولد و مرگ شاعران نامدار و بزرگ هر دوره در مقابل نام آن‌ها نوشته می‌شد؛ زیرا قرار است دانش‌آموزان این رشته، متخصص این رشته شوند یا دست‌کم از آن‌ها انتظار می‌رود که در این زمینه اطلاعات تاریخی ادبیاتی داشته باشند.

- در پایان دروس سبک‌شناسی و تاریخ ادبیات، جای خالی دو یا چند شعر برتر و زیبایی شاعران نامدار خالی است. این امر به بهبود یادگیری دانش‌آموز و تقویت ذهنی او و تشویق علاقه‌مندان این رشته یا پرورش حس شاعری در دانش‌آموز کمک شایانی می‌کند. از کتاب‌های داستان و جنگ‌نامه‌ها یا کتب تذکره در درس هفتم و سده‌های دهم و یازدهم نامی برده نشده است.

۴-۲ نقد و تحلیل دروس پایه‌های آوایی کتاب علوم و فنون ادبی (۲)

در این کتاب، چهار درس در موضوع عروض و قافیه در نظر گرفته شده است. این درس‌ها ادامه دروس مربوطه به عروض و قافیه در کتاب علوم و فنون (۱) در پایه دهم همین رشته‌اند.

در پایان درس نیز شش بحر همسان عروضی با عنوان «برخی وزن واژه‌های شعر فارسی» فقط در حد ذکر نام (فعلون، مفاعیلن، فاعلاتن، مستفعلن، فاعلاتن و مفتعلن) معرفی شده‌اند.

بخش پایانی پایه‌های آوایی، با عنوان «پایه‌های آوایی همسان دولختی» که در واقع همان «اوزان متناوب یا دوری» قدیم است، در درس یازدهم در فصل چهارم آمده است.

۴-۲-۱ نقاط قوت دروس پایه‌های آوایی

- به‌طور کلی، مباحث عروض و قافیه و تقطیع عروضی و بحرهای شعری برای دانش‌آموزان خسته‌کننده و سخت است اما شکل زیبایی ارائه این گفتارها در این کتاب موجب یادگیری سریع و ایجاد حس علاقه‌مندی در دانش‌آموز و از بین رفتن دلهره آن‌ها نسبت به این مفاهیم و اصطلاحات می‌شود.

- تقطیع‌ها در جدول‌های باز و به شکل خلاصه و با رنگ‌بندی مناسب ارائه شده‌اند. توضیحی که برای این گفتارها در هر چهار درس مربوط آمده، توضیحی ساده و با قابلیت یادگیری سریع است.

- تقطیع‌های انجام شده تقریباً در همه موارد به‌طور دقیق و ساده انجام شده است. نبود تعاریف بحرهای قدیم مانند بحر رمل و هزج و ... موجب سادگی بیشتر متن و یادگیری بهتر دانش‌آموزان می‌شود اما باید این نکته را در نظر داشت که شماری از این دانش‌آموزان به زودی در دانشگاه در رشته ادبیات تخصصی یا درس فارسی عمومی باز هم با همین تعاریف و نام‌های قدیمی و افاعیل سنتی سر و کار خواهند داشت؛ مگر اینکه در آنجا نیز مواد درسی، نوسازی و ساده گردند.

- تمام نمونه‌های شعری این درس از شاعران برتر و قله‌های شعر فارسی است. این کار موجب انس بهتر دانش‌آموز با متن می‌شود.

- تمرین‌های خودارزیابی این درس بیشتر و گسترده‌تر از تمرین‌های دروس دیگر است. این موضوع موجب تمرین بیشتر و درک مناسب‌تر موضوع می‌گردد.

۴-۳-۳ نقد و تحلیل دروس آرایه‌های ادبی کتاب علوم و فنون ادبی (۲)

درس نهم کتاب به «استعاره» که از مهم‌ترین اصطلاحات ادبی و شعری است، اختصاص یافته است و اگرچه مؤلفان کتاب در این درس نسبت به درس تشبیه، توضیح بیشتری داده‌اند، باز هم بسنده نمی‌نمایند.

مبحث استعاره را شاید بتوان مهم‌ترین گفتار در آرایه‌های ادبی برشمرد اما در اینجا می‌بینیم که استعاره تقریباً به‌طور خلاصه بیان شده و در پایان نیز «اضافه استعاری» در دو سطر و نیم با یک شاهد شعری معرفی گردیده است.

پس از تعریف کنایه و ذکر نمونه‌هایی گذرا، تفاوت میان کنایه و مجاز و سپس استعاره و کنایه توضیح داده شده و در پایان با ذکر چهار مورد کنایه، بخش خودارزیابی آمده است. متأسفانه این درس نیز بسیار کوتاه است



و به شکل عمومی توضیح داده شده است.

۴-۳-۱ نقاط قوت دروس آرایه‌های ادبی کتاب

- تلاش مؤلفان در ساده‌گویی و کوتاه‌گویی دروس آرایه‌های ادبی ستودنی است. آن‌ها در این کار موفق بوده‌اند اما این مسئله فراموش شده است که این کتاب، از بهترین کتاب‌های رشته ادبیات و علوم انسانی و نیز الهیات و معارف اسلامی است.

- در دروس آرایه‌های ادبی، نمونه‌های شعری گوناگون و خوبی از شاعران معاصر

و شعر امروز دیده می‌شود. جا دارد که این نمونه‌ها بیشتر و به‌روزتر گردد.

- در این درس (و بعضی از دروس دیگر) از شاعرانی ناشناس مانند نحوی، وفایی و ... نمونه‌هایی زیبا آورده شده است. این کار بهتر است با ذکر نام کامل آن‌ها صورت بگیرد و تعداد نمونه نیز بیشتر شود. معرفی شاعران توانای بی‌نام و نشان، کاری خوب و ستودنی است.

۴-۳-۲ نقاط ضعف دروس آرایه‌های ادبی کتاب

- در درس «مجاز» در صفحه ۵۵، بیتی از شاعری به نام **وفایی** آمده است که بی‌گمان شماری از معلمان و نزدیک به تمام دانش‌آموزان او را نمی‌شناسند. لازم است نام شاعر به طور کامل آورده شود.

- شعر سپید و شعر نیمایی و نیز انواع شعر آزاد (ناب، حجم، گفتار و ...) تا اندازه‌ای در این درس و نیز در کل کتاب به فراموشی سپرده شده است.

- اشتباهی که در درس‌های دیگر با آوردن نام‌های جدید برای عناوین قدیم و مشهور صورت گرفته، در این درس نیز با ذکر کلمه‌هایی چون «معنای نهاده» به جای کلمه **حقیقی** و «معنای نانهاده» به جای کلمه **مجازی** (غیرحقیقی) تکرار شده است.

- معلمان و قشری از داوطلبان کنکور به تعاریف همیشگی و دانشگاهی اصطلاحات و آرایه‌های ادبی و تعاریف موجود در کتاب‌های پیشین عادت کرده‌اند و آن‌ها را به همان شکل قدیم و سنتی در ذهن دارند اما در این کتاب عناوین دیگری برای این نام‌ها بر ساخته شده است که ضرورتی ندارد.

- در گفتار تشبیه، عنوان تشبیه «ترکیب اضافی» بیشتر به درس دستور زبان فارسی می‌خورد تا آرایه‌های ادبی. همان عنوان «اضافه تشبیهی» برای این آرایه بهتر و منطقی‌تر است.

- در درس «مجاز»، دانش‌آموزان در خوانش اول این اصطلاح و برخورد با آن، واژه را به شکل «مجاز» تلفظ می‌کنند. بهتر است در چاپ بعدی کتاب، نام این درس با نشانهٔ فتحه بر روی حرف میم (مجاز)

نوشته شود؛ چرا که مجاز یعنی اجازه داده شده، و مجاز یعنی غیرحقیقی.

- بخش‌بندی تشبیه به **گسترده** و **فشرده**، مناسب به نظر نمی‌رسد. همان روال همیشگی در آموزش تشبیه و انواع آن بهتر و مناسب‌تر بود.

- درس تشبیه، ناقص به نظر می‌رسد و نامی از اصطلاحات دیگری که زیرمجموعهٔ تشبیه‌اند، در میان نیست. اصطلاحاتی مانند تشبیه **تفضیل**، تشبیه **مرسل** یا **صریح**، تشبیه **مؤکد**، تشبیه **مفصل**، تشبیه **مجمل**، تشبیه **بلیغ**، تشبیه **ملفوف**، تشبیه **مفروق**، تشبیه **مرکب**، تشبیه **جمع**، تشبیه **معکوس**، تشبیه **مشروط**،

حجم پرسش‌های موجود در سنجش‌های خودارزیابی متوسط به بالاست و موجب یادگیری بهتر و تلاش بیشتر دانش‌آموز می‌شود

نمونه‌های بیشتر و استنادی‌تر آورده شود. بدتر اینکه در ادامهٔ درس، از اصطلاح «معانی مجازی» استفاده کرده‌اند! این نام‌های برساختهٔ جدید به خودی خود هیچ کاربرد ماندگار و تازه‌ای ندارند و هدف و مقصود مؤلفان همچنان بر پایهٔ همان اصطلاحات پیشین و معروف ارائه می‌گردد.

۵. بررسی متنی کتاب

قلم کتاب، قلم رسمی، زیبا و مناسبی است و به فراخور موضوع و عنوان نیز از رنگ قرمز و گاه کارهای مربعی سبز، زرد، صورتی و غیره استفاده شده است. اندازهٔ قلم متن، متوسطه و مناسب است.

برخلاف معمول کتاب‌های درسی، در این کتاب شمارهٔ صفحات در بالای هر صفحه قرار گرفته است و عنوان کتاب نیز به رسم کتاب‌های بازاری در بالا و در صفحات سمت چپ درج شده که بر جلوهٔ درونی کتاب افزوده است.

کاستی و آسیبی که در زمینهٔ قلم کتاب وجود دارد این است که طراحان متن کتاب تلاش کرده‌اند حجم زیادی را در صفحات محدود کتاب جای دهند. این کار موجب آن شده است که مطالب کتاب در موارد فراوانی بسیار به هم نزدیک شوند یا به یکدیگر بچسبند.

۶. بررسی نگارش کتاب

با نگاهی گذرا به متن این کتاب، به آسانی متوجه می‌شویم که مؤلفان بر متن نهایی و چاپی آن نظارت کافی نداشته‌اند. اما در جمله‌بندی و نگارش دستوری کتاب وسواس زیادی اعمال شده است.

این وسواس را از تعداد زیاد ویرگول‌ها و نقطه‌ویرگول‌های متن کتاب می‌توان دریافت **اما از درصد بالای خطاهای علمی در نقل اشعار در می‌یابیم که در کار خود کمتر موفق بوده‌اند!** نمونه‌های زیر شایستهٔ بررسی و چاره‌جویی سریع‌اند.

- در بخش خودارزیابی درس دهم (سیک هندی)، در پرسش شمارهٔ ۵ در بخش «ب» یک بیت شعر به نام عرفی شیرازی آمده که تنها مصراع نخست آن از عرفی است و مصراع دوم به سعدی شیرازی تعلق دارد:

ز منجنیق فلک سنگ فتنه می‌بارد
پیوند روح کردی پیغام دوست دادی
ضمن اشاره به این نکته که اصلاً این دو
مصراع حتی در یک وزن هم نیستند و
هنگام حروف‌چینی بدون هیچ تخصصی نیز
می‌توان به بیگانگی آن دو از هم پی برد.
اصل شعرهای این دو شاعر نقل می‌شود.

ابتدا گزیده شعر عرفی:

جهان بگشتم و دردا به هیچ شهر و دیار
نیافتم که فروشد بخت در بازار...

«ز منجنیق فلک سنگ فتنه می‌بارد
من ابلهانه گریزم به آبگینه حصار»
(عرفی، ۱۳۶۵: ۲۱۹)

و گزیده شعر سعدی:

«ای باد بامدادی، خوش می‌روی به
شادی

پیوند روح کردی، پیغام دوست
دادی»

بر بوستان گذشتی یا در بهشت بودی؟

شاد آمدی و خرم، فرخنده بخت بادی!

(سعدی، ۱۳۶۰: ۴۵۹)

گفتنی است که این بیت سعدی در دو
مورد در کتاب به شکل درست و علمی
نقل شده است؛ یک بار در صفحه ۷۷ و
یکبار هم در درس یازدهم (پایه‌های آوایی
همسان دولختی) به صورت تقطیع شده
(صص: ۹۱-۹۰).

در درس دوم (پایه‌های آوایی)، در صفحه
۲۵، در خوارزیبایی شماره ۲، بیت صائب
تبریزی با اشکال نگارشی فاحشی آمده
است:

یا رب از عرفان مرا پیمانهای سرشار ده
چشم بینا جان آگاه و دل بیدار ده
در واژه «پیمانهای» به جای اینکه
نیم‌فاصله پس از حرف «ه» زده شود؛

پیش از آن زده شده است!

مشکل این است که دانش‌آموزان و افراد
عادی متوجه این اشکال نمی‌شوند؛ زیرا با
وجود آن معنای تازه‌ای از مصراع به دست
می‌آید که ممکن است خوانندگان عادی به
آن شک نکنند.

- بیت معروف حافظ در صفحه ۲۶ به
شکلی اشتباه چاپ شده است.

من که دارم در گدایی گنج سلطانی به
دست

کی طمع در گردش گیتی دون پرور کنم؟
در این بیت، واژه «گیتی» در نسخه اصلی
دیوان حافظ نیست و شکل درست آن
واژه گردون است: «کی طمع در گردش
گردون دون پرور کنم» (دیوان حافظ،
تصحیح محمد قزوینی و قاسم غنی، غزل
۳۴۶).

جالب است که مطابق آنچه در بخش منابع
کتاب آمده است، مؤلفان نیز از حافظ نسخه
استاد قزوینی و دکتر غنی استفاده کرده‌اند!
این امر نشان می‌دهد که مؤلفان در
حقیقت از نسخه اصلی دیوان استفاده
نکرده‌اند!

در همین صفحه، شعر نیمایی مهدی
اخوان ثالث به شکل یک بیت مصراع
کلاسیک نوشته شده است:

«من امشب آمدستم وام بگذارم

حسابت را کنار جام بگذارم»

و جالب‌تر اینکه ترکیب «وام بگذارم» (به
معنای به جا آورم، ادا کنم و ...) به شکل
«وام بگذارم!» (به معنای قرار دادن و
گذاشتن لمسی وام!) نوشته شده است!

این در حالی است که در کتاب‌های
دستور سال‌های پیش در بخش‌های «غلط
نویسیم» و «بیاموزیم» به‌طور مرتب این
نکات مطرح شده و بر درست‌نویسی کلمه‌ها
تأکید گردیده است! برای نمونه در کتاب
زبان فارسی (۲) شاخه نظری، چاپ ۱۳۹۴
در بخش بیاموزیم می‌خوانیم:

«همان‌طور که می‌دانیم، گذاشتن در
معنای حقیقی کلمه، «قرار دادن به‌طور

عینی مشهود» است... اما «گزاردن» به
معنای به جا آوردن، ادا کردن و اجرا کردن
است» (کتاب زبان فارسی ۲، صص: ۹۷-۹۶).

پس در اینجا متوجه خطای فاحش دیگری
در امر تألیف این کتاب می‌شویم. خطایی
که از ما اهالی ادبیات و متولیان آموزش
زبان و دستور فارسی انتظار نمی‌رود؛ چون
همه، ما را منبع رفع خطاها و اشکالات
می‌دانند اما در اینجا با کتابی روبه‌رو هستیم
که سراسر خطا و کاستی و ضعف علمی و
نگارشی است.

این مسائل، شتاب‌زدگی و عدم مدیریت
علمی و تخصصی محتوای کتاب از سوی

مؤلفان را بیش از پیش نشان می‌دهد و
موجب بدآموزی و زیرسؤال رفتن استادان
ارجمند و مؤلفان گرامی ادبیات فارسی و
بدبینی نسبت به آن‌هاست.

- در صفحه ۳۰ نیز شعر معروف سعدی،
با یک ویرگول اضافی از معنای خود افتاده
است. ویرگولی که پیش از واژه «کریم» قرار
گرفته، معنای این واژه را از بخشنده به نام
انسان حقیقی (آقای کریم) تغییر داده است:
«گرت ز دست نیاید چون نخل باش، کریم».
این در حالی است که سال‌ها پیش با تأکید
بر جمله معروف «بخشش لازم نیست،
اعدام شود/ بخشش، لازم نیست اعدام
شود» بر تأثیر حیاتی ویرگول بر معنای
جمله تأکید شده بود! پس در چاپ بعدی
کتاب این ویرگول باید حذف گردد.

- در صفحه ۴۷ در تقطیع «جفت بدحالان
و خوشحالان شدم» اشتباهی صورت گرفته
و رکن دوم شکل «جفت بدحالان/ لان خش
حا...» تقطیع شده است.

صورت درست آن چنین است.

جفت بدحا | لان خش حا | ... | ...

- در صفحه ۴۶ در توضیح وزن فاعلاتن
هشت‌تایی (مثنی) رکن دوم مصراع «چرخ
بازیگر از این بازیچه‌ها بسیار دارد» درست
تقطیع نشده است. در کتاب نوشته شده
است: «گر از این با».

شکل درست آن این است:

چرخ بازی | گ ز زی با | زی چ هابس | ...

- در تقطیع همین بیت بالا، در چند سطر بعد
نیز رکن آخر هر دو مصراع، تقطیع به‌صورت
گنگ و بدون اعراب‌گذاری انجام شده است؛
یعنی به حرف «ر» در خار و یار باید حرکت
ضمه یا کسره داده شود تا دانش‌آموزان
حرکت این حرف را ساکن نپندارند.

صورت دست تقطیع و آوانویسی آن چنین
است:

روزگار | تین (تی) گه عز | زت ده دهد گه | خار ز دا رد
چرخ بازی | گ ز زی با | زی چ هابس | یا ز دارد

- همین وضعیت همچنین در صفحه
۹۶ در تقطیع «تا دل هرزه گرد من رفت
به چین زلف او» در تقطیع «رفت» دیده

می‌شود که بهتر است به شکل: «رف/ت یا: ت» تقطیع و نشانه‌گذاری گردد. از این مورد باز هم در کتاب دیده می‌شود. برای نمونه: رک: صفحه ۴۵، تقطیع بیت «خداوندا ششم را روز گردان»، در تقطیع رکن سوم هر دو مصراع در حرف «ز».

- در این کتاب، حرف «ن» از هجاهای کوتاه منتهی به نون حذف نشده و تقطیع مصراع «چو روزم بر جهان پیروز گردان» به شکل زیر انجام گرفته است:

چو روزم بر /ج هان پی رو/ ز گر دان
که شکل درست آن چنین است:

چو روزم بر /ج هان پی رو / ز گر دان (دان)

به همین گونه، در تقطیع مصراع «ای باد بامدادی...» (ص ۹۰):

کتاب: ای باد / با م دا دی ...
شکل درست: این باد / با م دا دی ...

- شعر حافظ در صفحه ۴۹ اشتباه چاپ شده است:

چه خوش صید دلم کردی بنام چشم مستت را

که کس آهوی وحشی را از این بهتر نمی‌گیرد

اصل بیت در نسخه اصلی و علمی و منبع درجه یک دیوان حافظ به تصحیح محمد قزوینی و قاسم غنی به شکل زیر آمده است: چه خوش صید دلم کردم بنام چشم مستت را

که کس مرغان وحشی را از این خوش تر نمی‌گیرد

(دیوان حافظ، ۱۳۶۰: غزل شماره ۱۴۹)

در اینجا به این نکته پی می‌بریم که این شعر معروف حافظ در قالب مثنوی با مطلع «الا ای آهوی وحشی کجایی؟» بر نگارش نسخه اصلی متن کتاب سایه انداخته و به همین شکل به حروف چین تحویل شده و نمی‌توان گفت اشکال از سوی حروف چین کتاب بوده است؛ زیرا این یک اشکال و خطای علمی و تخصصی است.

- شعر معروف سعدی در صفحه ۷۲ با اشتباهی حیرتانگیز چاپ شده است:

نظر آوردم و بردم که وجودی به تو ماند همه اسم‌اند و تو جسمی، همه جسم‌اند و

تو روحی

اصل این شعر به شکل زیر است: همه کس را تن و اندام و جمال است و جوانی

وین همه لطف ندارند مگر سرو روانی نظر آوردم و بردم که وجودی به تو ماند همه اسم‌اند و تو جسمی، همه جسم‌اند و تو جوانی

هر چه در حسن تو گویند چنانی به حقیقت

عینت آن است که با ما به ارادت نه چنانی (سعدی، ۱۳۶۰: غزل ۶۱۸)

- شعر معروف قیصر امین‌پور در صفحه ۹۵ به اشتباه چاپ شده است:

الفبای درد از لبم می‌تراود نه شبنم که خون از لبم می‌تراود شکل درست آن چنین است:

الفبای درد از لبم می‌تراود نه شبنم از خون از شبنم می‌تراود (قیصر امین‌پور، ۱۳۹۱: ۴۵)

- شعر مولوی نیز در صفحه ۹۶ اشتباه چاپ شده است:

ای دوست، شکر خوش تر یا آنکه شکر سازد؟

ای دوست قمر خوش تر؟ یا آنکه قمر سازد؟ اصل این شعر در نسخه اصلی غزلیات شمس به شکل زیر است:

ای دوست شکر بهتر یا آنکه شکر سازد؟ خوبی قمر بهتر یا آنکه قمر سازد؟

(مولوی، غزلیات شمس، ۱۳۶۰: غزل شماره ۶۲۸)

در نظر داشته باشید که این شعرها را دانش‌آموزان حفظ می‌کنند و به همین شکل و از روی همین منابع اصلی تحصیلی نیز در کنکورهای سراسری و در آزمون‌های استخدامی شرکت‌ها، سازمان‌ها و کنکورهای آزمایشی سازمان‌های پرورش داوطلب کنکوری در قالب پرسش‌های گوناگون و حتی در وبلاگ‌های شخصی و وبگاه‌ها، فضای مجازی و پیامک‌های تلفنی، نامه‌نگاری‌های دوستانه یا کارهای هنری و ... نشر و باز نشر می‌شوند!

تحریف نامحسوس ادبیات به همین شکل رخ می‌دهد؛ آن‌هم در شعر قله‌های ادبیات و در کتابی که قرار است به سهم خود پرورش نسل‌ها را بر عهده داشته باشد! اگر

چنین خطاهایی در روزنامه‌ها و مجلات یا در کتاب‌های بازاری رخ دهد، چنان بیمی نیست اما این کتاب اصلی‌ترین منبع پرورش تحصیلی دانش‌آموز است؛ در دو رشته‌ای که پر تعدادترین دانش‌آموزان را در امر آموزش و پرورش در اختیار دارد.

نکته مهم دیگر، این است که این کتاب از کتاب‌های تخصصی رشته ادبیات و علوم انسانی است و مؤلفان ارجمند و برجسته‌ای عضو «شورای سیزده نفره برنامه‌ریزی» این کتاب و هفت نفر نیز اعضای گروه تألیف‌اند که نامشان در شناسنامه کتاب آمده است؛ یعنی بیش از ۲۰ نفر در گردآوری و تألیف این کتاب دخیل بوده‌اند و با این همه، این حجم اشکال‌های علمی و خطاهای ویرایشی، نگارشی و حروف‌چینی در این کتاب مهم آموزشی دیده می‌شود! گفتنی است که از تعداد زیادی از خطاهای دیگر به دلیل تکراری بودن یا کوچک بودن چشم‌پوشی کرده‌ایم!

همچنین باید گفت که نسخه الکترونیک این کتاب‌ها در قالب فایل پی‌دی‌اف روی درگاه رسمی پایگاه اینترنتی کتاب‌های درسی زیر نظر وزارت آموزش و پرورش و سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی به نشانی www.chap.sch.ir نیز بارگذاری شده است و بارها در سراسر اینترنت، فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی منتشر گردیده و به تمام شکل‌های ممکن در دسترس همگان در سراسر جهان قرار گرفته است.

- در صفحه ۱۰۱ بیتی از شاعری گمنام به نام «محو» آمده که مصراع نخست آن اشتباه است و با شکست فاحش وزنی نقل شده است:

در سلطان و شه را روزها بیهوده کوبید
دگر در کوی شاه خود کنم خاکی به سر امشب

نگارنده نتوانست اصل شعر را پیدا کند اما با توجه به وزن شعر (مفاعیلن/هزج هشت‌تایی سالم/ ت تن تن تن، ت تن تن تن) شکل درست آن چنین باید باشد:

در سلطان و شه را روزها بیهوده کوبیدم
دگر در کوی شاه خود کنم خاکی به سر امشب

این نکته را در مورد این شعر نیز بگوییم که تمام واژگان این بیت به هم چسبیده نوشته شده است و واژه «در» در آغاز بیت نیز به حرکت کسره زیر حرف «ر» (در) نیاز دارد. - یکی دیگر از غزل‌های سعدی نیز در صفحه ۱۰۲ به اشتباه چاپ شده است: مرا تو غایت مقصودی از جهان ای دوست هزار جان عزیزت فدای جان ای دوست **که گفت سعدی از آسیب عشق بگریز** به دوستی که غلط می‌برد گمان ای دوست وزن در مصراع اول بیت دوم شکسته است و براساس نسخه اصلی کلیات سعدی، فعل **بگریز** در پایان این مصراع به شکل «بگریزد» درست است.

که گفت سعدی از آسیب عشق بگریزد به دوستی که غلط می‌برد گمان ای دوست (کلیات سعدی، ۱۳۶۰: غزل شماره ۱۰۴) - شعر معروف حسین منزوی در صفحه ۱۰۳ اشتباه چاپ شده است:

دریای شورانگیز چشمان تو زیباست آنجا که باید دل به دریا زد همین جاست شکل درست آن براساس نسخه اصلی مجموعه اشعار شاعر چنین است: دریای شورانگیز چشمانت چه زیباست آنجا که باید دل به دریا زد همین جاست (حسین منزوی، ۱۳۸۵: ۱۴۵)

- درصد خطاهای شگفت‌انگیز کتاب در صفحه ۱۰۴ رو به فزونی گذاشته و شعر بسیار معروف حافظ به شکلی کاملاً اشتباه و غم‌انگیز با یک شعر معروف دیگر او ادغام شده است:

عالم از شور و شر عشق مبادا خالی فتنه‌انگیز جهان نرگس جادوی تو بود براساس نسخه اصلی دیوان حافظ **شکل درست این شعر چنین است:**

عالم از شور و شر عشق **خبر هیچ نداشت** فتنه‌انگیز جهان نرگس جادوی تو بود (حافظ، ۱۳۶۰: غزل ۲۱۰) اما بیتی که مؤلفان محترم آن را با این بیت ادغام کرده‌اند، این است:

«عالم از ناله عشاق مبادا خالی که خوش آهنگ و فرح‌بخش نوایی دارد»

(حافظ، ۱۳۶۰: غزل ۱۲۳) بی‌تردید، این اشکال نه سهوی و از سوی

حروف‌چین کتاب بلکه علمی و برخاسته از خطای علمی و اشراف نادرست بر متون شعری تاریخ ادبیات فارسی و از سوی مؤلفان کتاب است و به هیچ روی قابل بخشش و چشم‌پوشی نیست.

- نکته شوک‌آورتر پایانی اینکه شعر معروف حافظ در صفحه ۱۰۹ به نام سعدی چاپ شده است:

دائم گل این بستان، شاداب نمی‌ماند دریا بضعیفان را در وقت توانایی (حافظ، ۱۳۶۰: غزل ۴۹۳)

این اشتباهات خاص و نگران‌کننده از سوی مؤلفان کتاب ادبی و آموزش علوم و فنون

در دروس آرایه‌های ادبی، نمونه‌های شعری گوناگون و خوبی از شاعران معاصر و شعر امروز دیده می‌شود. جا دارد که این نمونه‌ها بیشتر و به‌روز گردد

ادبی (!) بسیار تأسّف‌برانگیزند. امیدواریم در آینده شاهد این تشمت و بی‌سامانی در کتاب‌های بنیادین تحصیلی آموزش ادبیات فارسی نباشیم.

شگفت‌انگیزتر از همه این است که در صفحه پایانی کتاب، در قالب یک پروژه اعتبارسنجی کشوری، نتیجه یک فراخوان رفع اشکال و همکاری در نقد و بررسی کتاب در مرحله پیش از چاپ و پس از چاپ به همراه نام ۲۷ نفر از معلمان از سراسر کشور درج گردیده و آمده است: «سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی... با بهره‌مندی هوشمندانه از فرصت‌های فناوری‌های نوین در اقدامی نوآورانه... با دریافت نظرات معلمان محتوای

کتاب‌های درسی را در اولین چاپ‌سپاری با کمترین اشکال (!) به دانش‌آموزان و معلمان ارجمند تقدیم نماید! سپس، چندین شورا و دفتر و سازمان و گروه‌های آموزشی و دبیرخانه راهبری را نام برده است که در اجرای این فراخوان تلاش کرده‌اند، اما نتیجه‌ای که پس از چاپ کتاب می‌بینیم، بسیار دور از انتظار و پر از کاستی‌ها و خطاهای علمی و حیرت‌آور است!

۷. پیشنهادها و راهکارهای بهبود کتاب

۱. یکی از دو بخش خودارزیابی و تحلیل‌های فصلی در نظر گرفته شود و دیگری حذف گردد و به جای آن کار در خانه یا تحقیق کلاسی یا روایت‌های آموزنده کوتاه و مرتبط با درس جایگزین گردد. اگر بخش کارگاه‌ها حذف شود بهتر است.

۲. طبق پرسش‌ها و تحقیق شفاهی - میدانی که با مراجعه نگارنده به شماری از معلمان ادبیات به عمل آمد، همه معلمان اظهار داشتند که نمی‌توانند با متن کتاب و تعاریف خاص و ناآشنای آن و نیز میان این اصطلاحات و آنچه از معادل پیشین آن‌ها در ذهن داشته‌اند ارتباطی برقرار کنند!

در واقع، همه معلمان از این مسئله شاکه بودند و بیان می‌کردند که دچار نوعی پریشانی و سردرگمی در توضیح و تعریف این اصطلاحات بدیهی و ساده برای دانش‌آموزان شده‌اند. این موضوع با نظرسنجی و نتیجه فراخوان پایان کتاب نیز همخوانی ندارد.

۳. در کتاب علوم و فنون ادبی (۲) نمونه‌خوانی و قرار دادن نیم‌فاصله نگارشی، بسیار شتاب‌زده انجام گرفته است و بازخوانی و تنظیم نیم‌فاصله واژگانی ضرورت دارد.

۴. نشانه‌گذاری در این کتاب شتاب‌زده صورت گرفته و از این رو انبوهی از ویرگول‌ها و نقطه ویرگول‌های غیرضروری در آن دیده می‌شود.

۵. بخش‌های ادبی دروس تاریخ ادبیات و سبک‌شناسی بسیار کوتاه و گذرا نوشته

شده‌اند؛ در حالی که ضروری است دانش‌آموز متون بیشتری را بخواند و اطلاعات ادبی بیشتری به دست آورد.

۶. علاقه مؤلفان محترم به ساختن نام‌های جدید و پارسی موجب ایجاد نوعی بیگانگی میان معلم و متن کتاب شده است. بهتر است در چاپ بعدی این کتاب از همان عناوین رواج یافته و نام‌های مشهور در کتاب‌های درسی دبیرستان و دانشگاه استفاده شود. بی‌گمان، شماری از معلمان محترم هنگام تدریس این کتاب، همان عناوین و نام‌های گذشته را در جزوه‌های خود و روش تدریس پای تخته‌ای به کار خواهند گرفت. همان‌گونه که به تحقیق شفاهی میدانی از شماری از معلمان ادبیات در این زمینه نیز اشاره شده است. نتیجه چنین دوگانگی و اختلاف عنوانی، پریشانی و سردرگمی معلم، دانش‌آموز و داوطلب کنکور خواهد بود.

۷. با مروری گذرا بر متن کتاب در می‌یابیم که این کتاب را چندین نویسنده با چند شیوه نگارش خاص خود نوشته‌اند. این امر موجب شده است لحن و زبان کتاب مرتب از رنگی به رنگ دیگر درآید و گاه بین کهنه و نو در رفت و آمد و نوسان باشد! پیشنهاد می‌شود یک نویسنده مشخص، متن کتاب را از اول بازنویسی کند و در نهایت نیز یک نفر ویراستار و نمونه‌خوان مشخص، به تهیه متن نهایی کتاب اقدام کند.

۸. در چند مورد، نمونه‌های نقل شده از کتاب‌های دینی است و زیرمجموعه ادبیات فارسی قرار نمی‌گیرد: صفحه ۱۰۱ سطر ۱ از صحیفه سجادیه با برگردانی ادبی گونه و صفحه‌های ۱۰۳ و ۱۰۵ سطرهایی از آیت‌الله حسن‌زاده آملی می‌باشد. بهتر است این مشکل نیز در نقل نمونه‌های شعری برطرف شود و مثلاً از غزل‌های امروز و شاعران برتر غزل معاصر نمونه‌هایی نقل گردد و همه نمونه‌های خودارزیابی و کارگاه‌های تحلیل فصل از شاعران و نویسندگان صرفاً ادبی کلاسیک و معاصر باشد.

۹. مؤلفان در نقل نمونه‌های شعری، از نسخه‌های اصلی دیوان یا مجموعه اشعار شاعران و کتاب‌های نویسندگان استفاده کنند

۱۰. بخش‌های تاریخ ادبیات به شکل زیباتری تألیف شود و دروس یا پایان فصل‌ها در صورت امکان به سبک چهارمقاله عروسی با چاشنی داستان و روایت نیز همراه گردد.

۱۱. در درس هفتم (تاریخ ادبیات فارسی در قرن‌های دهم و یازدهم) پیشنهاد می‌شود گفتار یا بند مستقلی زیر نام دوره «بینابین» یا «مکتب واسوخت» در نظر گرفته شود؛ زیرا در تمام کتاب‌های درسی پیشین و نیز در کتاب دانشگاهی و تاریخ ادبیات و سبک‌شناسی روال بر همین بوده است.

۸. نتیجه‌گیری

کتاب از نظر ساختار مناسب به نظر می‌رسد اما از نظر حجم به‌عنوان منبعی تخصصی و هدفمند، راضی‌کننده نیست. از نظر محتوا جز در بخش‌های پایه‌های آوایی و اندکی در شیوه ارائه مطالب، شاهد موفقیت مؤلفان و کیفیت مطلوب نیستیم. کتاب از نظر صفحه‌آرایی، رنگ‌بندی و عنوان آن تازه و نو شده است اما از نظر اصول تألیف و انتظاراتی که از یک کتاب آموزش علوم و فنون می‌رود، نمی‌تواند رضایت‌بخش باشد. حاصل چنین کتاب‌هایی احتمالاً پس از چند سال دانش‌آموزانی با کمترین بار علمی و کمترین حوصله خواندن متون علمی و تحقیقی است.

با وجود اینکه حساسیت زیادی در تألیف کتاب احساس می‌شود، با کتابی روبه‌رویم که مقدار قابل توجهی اشکال علمی، محتوایی و نگارشی دارد.

حجم درس‌ها کم اما حجم بخش‌های خودارزیابی و نمونه‌های شعری زیاد است. این کتاب بیشتر جزوه‌ای مناسب دانش‌آموزان رشته‌های عمومی به‌نظر می‌رسد و نکات مثبت و امیدوارکننده آن در مقابل آسیب‌ها و کاستی‌های کم است. به‌طور کلی، انتظاری که از مؤلفان و دست‌اندرکاران کتاب در قالب دو کارگروه تألیف و شورای نظارت و برنامه‌ریزی می‌رفت، برآورده نشده است.

پی‌نوشت

۱. نیم‌فاصله دستور، ویژه واژگان مرکب دو یا چندجزئی و فعل‌های دارای «می و نمی» و ضمیرهای فعلی مانند «ایم، اید، اند و...» نشانه‌های جمع «ها، های و هایی» و همچنین پیشوندها و پسوندهایی است که اجزا آن‌ها نه قابل جدانویسی و نه قابل پیوسته‌نویسی هستند.

بهترین و ساده‌ترین شیوه تنظیم نیم‌فاصله در نرم‌افزار نگارش «تایپ»، تنظیم دستور زیر در بخش Insert یا Symbol در انواع نرم‌افزار WORD در رایانه است:

Insert → Symbol → More Symbols → Special characters → No-Width Optinal Break → Click on: Short Key... → press new Short Key: Ctrl+ Space → Click on: Assign → Click on: ok

پس از آن، با متصل کردن اجزای یادشده و اجزای واژگان مرکب به هم، میان آن‌ها دستور Ctrl+Space داده شود تا به شکل نیم‌فاصله چسبیده و بدون فاصله درآید. بعضی از نرم‌افزارهای نوشتن پیام و متن مخصوص انواع تلفن‌ها و رایانک‌های همراه نیز با نشانه «Insert» در صفحه کلید به این قابلیت مجهز شده‌اند. (ویراستار)

منابع

۱. احمدنژاد، کامل. (۱۳۸۹). فنون ادبی، تهران: پایا
۲. اخوان ثالث، مهدی. (۱۳۸۱). گزینه اشعار، تهران: نشر مروارید
۳. امین‌پور، قیصر. (۱۳۹۱). گل‌ها همه آفتابگرداند. تهران: مروارید
۴. حافظ شیرازی، شمس‌الدین محمد (۱۳۲۰). تهران: امیرکبیر
۵. حق‌شناس و همکاران. (۱۳۹۴). زبان فارسی ۲، تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.
۶. دیوان حافظ، به کوشش محمد قزوینی و قاسم غنی، تهران: نشر کتابخانه زوار.
۷. سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی درسی. (۱۳۹۶). علوم و فنون ادبی (۱)، تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران
۸. _____ (۱۳۹۶). علوم و فنون ادبی (۲)، تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران
۹. سایت خوابگرد، توسط؛ از واسطه دیروز تا وسیله امروز، بازبینی: ۹۶/۱۱/۱۰
۱۰. سعدی شیرازی، ابومحمد مصحح‌بن عبدالله. (۱۳۶۰). کلیات سعدی. به اهتمام محمدعلی فروغی، تهران: امیرکبیر
۱۱. شمیسا، سیروس. (۱۳۸۸). معانی و بیان. تهران: فردوس
۱۲. عارفی، محبوبه. (۱۳۸۴). برنامه‌ریزی درسی راهبردی در آموزش عالی، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی
۱۳. عرفی، جلال‌الدین. (۱۳۶۵). دیوان غزلیات عرفی شیرازی، به تصحیح محمدولی الحق انصاری، ج یک، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۴. مجله معارف اسلامی. (۱۳۹۴). اهمیت حروف در نگارش، شماره ۶۸، تیر و مرداد، ص ۶۱
۱۵. ملکی، حسن. (۱۳۸۵). سخن، سمت، ش ۱۷، صص: ۳-۹
۱۶. منزوی، حسین (۱۳۸۵). مجموعه اشعار، تهران: انتشارات نگاه و انتشارات آفرینش
۱۷. مولوی، جلال‌الدین محمد بلخی، (۱۳۶۰). کلیات شمس (دیوان کبیر)، به تصحیح بدیع‌الزمان فروزانفر تهران:
۱۸. میلر، جی. پی. (۱۳۷۹). ترجمه دکتر مهر محمدی، تهران: سازمان سمت
۱۹. همایی، جلال‌الدین. (۱۳۷۸). فنون بلاغت و صناعات ادبی، تهران: هما.